

لَطَبِي رَهْبَانِيَّةٍ

در جهان پس از جنگ سرد، ایران همچنان با مشکل یافتن جایگاهی برای خویش رو برو است. جمهوری اسلامی ایران، از سویی در عکس العمل به مسائلی که پس از پیروزی انقلاب با غرب داشته و از سوی دیگر به دلیل مسائل جدیدی که پس از فروپاشی شوروی پیش آمده، به شکلی روزافزون به شرق گرایش پیدا کرده است و به دلیل اتخاذ این سیاست شرقی کشورهای روسیه، ژاپن، چین و هند از اهمیت ویژه‌ای برای ایران پیدا کرده‌اند. در عین حال روش نیست که آیا این گرایش استراتژیک، یعنی دیرپا خواهد بود یا خیر؟ نیز معلوم نیست که اتخاذ این سیاست ضامن منافع ملی کشور باشد یا خیر؟ و سرانجام، معلوم نیست که آیا اتخاذ چنین سیاستی بر مبنای تحلیل از امکانات، احتیاجات، گرایش‌های عمومی، امتیازات و کمبودهای ایران بوده است یا خیر؟

هدف از نگارش این مقاله بحث پیرامون گرایش‌های استراتژیک ایران است، تا برای اتخاذ هرگونه تصمیمی در این زمینه با اطلاعات جامع‌تری انجام گردد. در وهله اول به ارائه دیدگلی از سیاست شرقی ایران خواهم پرداخت. جهت ارزیابی این گرایش به شرق، در بخش بعد خلاصه‌ای از احتیاجات ایران، نقاط ضعف و همچنین معنای سیاسی این گرایش و امکانات اقتصادی ای که می‌تواند در اختیار بگذارد، ارائه خواهد شد، همچنین برای آنکه داوری بهتری نسبت به مسئله داشته باشیم، مبادلات اقتصادی ایران با ایالات متحده آمریکا، روسیه، ژاپن، اروپای متعدد و چین با یکدیگر مقایسه خواهند شد. در بخش پایانی، محدوده گرایش‌های استراتژیک ایران برای قرن بیست و یکم



Pierre Bernaud

میلادی ارائه خواهد شد.

گرایش شرقی ایران

تقریباً در تمامی دوران جنگ سرد ایران همواره و در عین حالی که عضو کشورهای غیر متعهد بود، متعدد غرب باقی ماند. ایران توانست چنین سیاستی را دنبال کند زیرا به منزله «کمربند امنیتی استراتژیک» بین شرق و غرب ایفای نقش می‌کرد. شاه، سیاست ملی گرایان ایران را که براساس چشم انداز صادرات به این کشورها را نیز می‌گشاید. به این معنا می‌توان گفت که راه انرژی ای در «موازنۀ منفی» بین ایران و ترکمنستان را ایجاد کرد. در سال‌های اول انقلاب، سیاست غربی شاه به سیاست «نه شرقی، نه غربی» تغییر یافت؛ یعنی سیاستی که تقریباً هر دو ایران و ترکمنستان را به یکسان به چشم سوء ظن و دشمنی می‌نگریست. علی‌رغم مشکلات روزافزون ایران با ایالات متحده آمریکا پس از جریان گروگان‌گیری، تا آن‌هنگام که جهان، دوقطبی باقی ماند و شوروی به جنگ در افغانستان ادامه داد و در جنگ ایران و عراق، از عراق پشتیبانی کرد، این سیاست تغییری نیافت.^۱

برآمدن سیاست شرقی ایران با سفر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ به شوروی و نیز خروج ارش سرخ از افغانستان و همچنین برقراری آتش‌بس بین ایران و عراق، همزمان است. در این دوران از یک سو، پشتیبانی روزافزون آمریکا از عراق و از سوی دیگر آغاز آنچه جنگ نفتکش‌ها نامیده شد باعث و خامت روزافزون رابطه ایران و آمریکا گشت. سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران، این رابطه را در وخیم ترین وضعیت خود قرار داد.^۲

جنگ کویت نقشی اساسی در اتخاذ سیاست شرقی ایران ایفا کرد. علی‌رغم آنکه ایران از تصمیمات سازمان ملل پشتیبانی کرد و در جنگ دخالت نداشت، بلاfacile موضوع حملات رسانه‌های غربی قرار گرفت. از ایران به منزله برنده اصلی این جنگ و خطری که پس از شکست دولت کلیتون در سال ۱۹۹۳ مبنی بر «مهار دوجانبه» ثبت شد.^۳

با فروپاشی شوروی، سیاست شرقی از جذابیت بیشتری برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار شد. پدیدار شدن جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، ایران را در مرکز استراتژیک جغرافیایی جدیدی قرار داد که چشم انداز تجارت و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی را در خود داشت. امکانات ایران در متصل ساختن دریای خزر به خلیج فارس جایگاه ویژه‌ای به ایران در زمینه برقراری ارتباط اروپا و آسیا می‌داد. راه آهن جدید‌التأسیس مشهد-سرخس-تجن امکان برقراری ارتباط بین بندرعباس و چین را با گذر از ترکمنستان در اختیار می‌گذاشت. ایران در صدد بازسازی راه ابریشم است.

قراردادی بین ایران و ترکمنستان برای احداث خط لوله‌ای به طول ۲۰۰۰ کیلومتر در شُرف

نیازها، نقاط ضعف و نقاط قوت ایران

بسته شدن است تا گاز طبیعی ترکمنستان را از طریق ایران به اروپا صادر کند. برای احداث این خط لوله که بین ۷ تا ۱۰ سال طول خواهد کشید به سرمایه‌ای بالغ بر پنج میلیارد دلار نیاز خواهد بود. ایران همچنین در پی عقد قراردادی با آذربایجان است برای آنکه نفت این کشور را به اروپا منتقل سازد. تصمیم کتسرسیوم آذربایجانی مبنی بر انتخاب روسیه، گرجستان و ترکیه برای انتقال این نفت معنای اقتصادی ندارد. ایران مشغول مطالعه پروژه‌ای است برای احداث خط لوله گاز به هند و پاکستان که با توجه به احتیاجات روزافزون چین و سایر کشورهای آسیای شرقی به نفت و گاز، استراتژیک» بین شرق و غرب ایفای نقش می‌کرد. شاه، سیاست ملی گرایان ایران را که براساس چشم انداز صادرات به این کشورها را نیز می‌گشاید. به این معنا می‌توان گفت که راه انرژی ای در حال جایگزین کردن راه ابریشم است.

بنگاه خبرگزاری روسی ایتار-تاپ در ماه فوریه ۱۹۶۶ گزارش داد که برای استفاده تجاری از انرژی اتمی، روسیه، چین، هند و ایران در نظر دارند مشترکاً مرکز تحقیقاتی اتمی تأسیس کنند. سرگشی تریاکف، سفیر روسیه در ایران در فروردین ماه امسال اعلام کرد که همکاری این کشور با ایران برای ساختن نیروگاه اتمی بوشهر اولین قدم در زمینه همکاری‌های آتی این دو کشور خواهد بود. روسیه دیگر به ایران فقط به منزله راهی برای دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس نمی‌نگرد.

سیاست غربی شاه، سیاستی بود استراتژیک و همسو با برنامه‌هایی که در صدور هرچه بیشتر نفت برای تأمین منابع مالی برنامه‌های صنعتی و نظامی جهت تبدیل شدن به یک دولت قوی در خلیج فارس. از آنجا که این سیاست از منافع غرب نیز حمایت می‌کرد به وسیله ایالات متحده آمریکا و متحداش در جهان دوقطبی پشتیبانی می‌شد.^۴ منافع مشترک ایران و غرب، قرار بود طول عمر این سیاست را تضمین نماید. هرچند که این سیاست با موفقیت‌هایی همراه بود، پیگیری آن با مشکل رویرو شد. استبداد شاه و عدم استقلال او از غرب که به منزله بخش لاینک این سیاست به شمار آمد، خود دلیل اصلی وقوع انقلابی شد که به حکومت شاه و سیاست غربی اش خاتمه داد.

اینکه سیاست شرقی ایران استراتژیک باشد یا تاکتیک هنوز کاملاً روشن نیست. در عین حال علائمی دال بر استراتژیک بودن آن به ویژه در زمینه همکاری نظامی با فدراسیون روسیه به چشم می‌خورد. همچنین روشن نیست که آیا این سیاست حافظ منافع ملی ایران خواهد بود یا نه؛ آیا امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران در همکاری نزدیک با روسیه بهتر حفاظت خواهد شد؟ آیا ایران می‌تواند برخوردار شد. پدیدار شدن جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، ایران را در مرکز استراتژیک جغرافیایی جدیدی قرار داد که چشم انداز تجارت و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی را در خود داشت. امکانات ایران در متصل ساختن دریای خزر به خلیج فارس جایگاه ویژه‌ای به ایران در زمینه برقراری ارتباط اروپا و آسیا می‌داد. راه آهن جدید‌التأسیس مشهد-سرخس-تجن امکان برقراری ارتباط بین بندرعباس و چین را با گذر از ترکمنستان در اختیار می‌گذاشت. ایران در صدد بازسازی راه ابریشم است.

قراردادی بین ایران و ترکمنستان برای احداث خط لوله‌ای به طول ۲۰۰۰ کیلومتر در شُرف

سیاست مهار دوجانبه را ارزیابی کرد.

دولت آمریکا اعلام کرده است که هدفش از اتخاذ این سیاست به وجود آوردن تغیراتی در عملکرد جمهوری اسلامی ایران است.^۵ سیاستی که آمریکا برای رسیدن به اهداف انتخاب کرده، به نظر اگر هم تأثیری داشته باشد فقط به وحامت اوضاع اقتصادی ایران و تهدید تمامیت ارضی ایران خواهد انجامید. در واقع آمریکا به امکاناتی که ایران برای برقراری مجدد اعتماد بین دو کشور در اختیارش گذاشت، بی توجه بوده است. قرارداد نفتی شرکت کونکو آخرین امکان از این دست بود.

حقیقت آن است که ایالات متحده آمریکا وجود یک ایران قوی را به ضرر منافع خود در خلیج فارس و حوزه دریای خزر می داند؛ یعنی مناطقی که نفوذ آمریکا در آنها پس از فروپاشی شوروی و نیز جنگ خلیج فارس بسیار فزونی یافته است. ایران چنانچه تضعیف شود، به منافع اسرائیل در منطقه که سیاست جدید «زمین در مقابل صلح» را اتخاذ کرده است، خدمت خواهد کرد. اسرائیل دیگر به دنبال گسترش سرزمین خود نیست و استراتژی او بیشتر در جهت دستیابی به سلطه اقتصادی بر خاورمیانه و حوزه دریای خزر است. امروز تحت تأثیر القاتات آمریکا حتی برخی از کشورهای عرب منطقه نیز از قدرت گیری ایران ابراز نگرانی می کنند. این گونه درک از مسائل آمریکا و ایران درایت و توجه بالایی را در اتخاذ سیاست های مناسب از جانب ایران، الزامی می سازد. هرگونه عمل یا افزایش خصوصیت که بجهانه کافی به دست آمریکا بدهد، می تواند عکس العمل مطمئناً نامتناسبی از سوی آمریکا به وجود آید و نتایج غیرقابل پیش بینی ای برای منطقه به همراه داشته باشد. سیاستی در این زمینه بجا خواهد بود که بتواند خصوصیت آمریکا را خلع سلاخ کند.

و اما در ارتباط با تنشی های موجود در منطقه، تقویت قوای تدافعی کشور، الزامی به نظر می رسد. در این چشم انداز است که سیاست شرقی ایران از نقطه نظر سیاسی و نظامی معنا پیدا می کند. اما باید آگاه بود که این تقویت قوای نظامی هر چقدر هم که با موقوفیت همراه باشد، فقط امنیت ملی را در ارتباط با کشورهای همسایه و همچنین تدارک الزامات اقتصادی توسعه کشور، نیاز به تدوین سیاست خارجی متعادل تری در ارتباط با شرق و غرب دارد.

برای تحکیم امنیت ملی و توسعه اقتصادی کشور، راهی بهتر از صنعتی کردن کشور وجود ندارد. جز این، سرمایه های عظیم انسانی و طبیعی کشور بلا استفاده خواهد ماند. وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران به درآمد نفت که دستخوش تغییرات قیمت در بازار جهانی است، برنامه صنعتی شدن کشور را آسیب پذیر می سازد. درآمد سرانه ای معادل ۲۶۰ دلار برای کشور جوان و با جمعیت رویه رشدی مانند ایران کافی نیست. صنعت به ایران اجازه خواهد داد منابع اقتصادی جدیدی را به وجود آورد و همچنین بتواند در بازار اقتصاد جهانی ادغام گردد. برای تسريع رشد صنعتی اش ایران به مدیران درجه اول، نیروی کار، تکنولوژی جدید، سرمایه گذاری خارجی، تحقیقات بیشتر و بازار

حفاظت از امنیت ملی ایران را مورد توجه قرار دهیم. قبل از هر چیز ایران باید تمامیت ارضی خویش را در نقطه ای از جهان که از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است و هم اکنون شاهد نابسامانی های بسیار است، حفظ کند. ایران توسط حکومت های خطرناکی محاصره شده است. صدام حسین، دشمن همیشگی ایران هنوز علی رغم تحریم های بین المللی بر عراق حکم می راند. رهبران ملی گرای ترکیه سودای استیلا بر بخش های آذری زبان ایران را دارند. خبر قرارداد استراتژیک-نظامی ترکیه با اسرائیل نگرانی های بسیاری را در ایران به وجود آورد. علاوه بر اسرائیل، روسیه و قزاقستان که قدرت های اتمی نیرومندی هستند، هند و پاکستان نیز به سلاح اتمی دسترسی دارند. فزون براین، دور تادور ایران را بی ثباتی گرفته است و خطر سرایت این بی ثباتی ها به ایران همواره وجود دارد. عراق و ترکیه تقریباً در شرایط جنگی با یکدیگر به سر می برند؛ ناگورنی-قرایاغ و چچنی حوزه های درگیری باقی مانده اند و امیرنشین های خلیج فارس را خطر نابسامانی های داخلی به ویژه با توجه به نزول قیمت نفت، تهدید می کند. جنگ همچنان در افغانستان و تاجیکستان ادامه دارد و علاوه بر آنکه سیل مهاجرین را به سوی ایران گسیل می دارد به خلا قدرتی در این کشورها انجامیده که هم اکنون به وسیله سازمان های جنایتکارانه بین المللی پر شده است. می دانیم که مواد مخدر و تروریسم با یکدیگر رابطه ای نزدیکی دارد.

وضعیت حساس ایران به دلیل رقابت های موجود بین قدرت های بزرگ در منطقه بیش از پیش مشکل زا خواهد بود. ایران در مرکز هفتاد و پنج درصد منابع انرژی جهان در خلیج فارس و دریای خزر نشسته است. در یک چنین وضعیتی حساسیت روزافزون شرق و غرب به ایران امری شده اند. در یک چنین چارچوبی است که باید به کشمکش میان ایران و آمریکا نگریست و نیت اصلی



غیرقابل چشم پوشی است. ایران به تهایی ۱۰٪ منابع نفتی و ۱۵٪ منابع گاز جهان را داراست. هم اکنون چهارمین تولیدکننده نفت در جهان می باشد. به منزله یکی از اعضای مؤسسه اوپک و دومین کشور تولیدکننده در این سازمان، نقشی اساسی در تعیین سیاست‌های آن دارد. همچنین دانش فنی ایران در زمینه صنعت نفت در خلیج فارس اول است. عدم استفاده از دانش ایران در این زمینه عمدتاً ناشی از کمبود امکانات مالی و تکنولوژیکی است. اما پتانسیل واقعی اقتصادی ایران نه تنها در منابع زیرزمینی اش بلکه در صنایع سبک و نیز حمل و نقل آن بوجود می باشد. بنابرآمار موثق، نفت فقط ۲۰٪ تولید ناخالص ملی کشور که بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار است را تشکیل می دهد و در این مقام با تولیدات کشاورزی برابری می کند. اهمیت نفت بسی کمتر از اهمیت خدمات در ایران است که ۳۵٪ تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص دهد. علاوه بر این در آմدسرانه نفت از ۱۳۰۰ دلار در آخرین سال حکومت شاه به ۲۰۰ دلار نزول کرده است. اقتصاد ایران تغییرات ساختاری مهمی را تجربه می کند. و این مستله ای است که اغلب در خارج از ایران مورد توجه قرار نمی گیرد. صنعت ایران پس از انقلاب مجبور به تکیه بر داخل شد. این صنعت امروز آموخته است که بسیاری از نیازهایش را به وسیله تولیدات داخلی پاسخگو باشد. مهندسان ایران، امروز به خوبی به اهمیت ابتکارهای داخلی آگاه شده اند. بهترین شاهد این مسعا را می توان در معادن و صنایع فولاد مشاهده کرد. با تکیه بر منابع سرشار کشور در زمینه آهن و مس، مهندسین ایرانی، تکنولوژی های را برای تولید فولاد بکار می گیرند که به باور آنها می تواند ایران را تا چند سال دیگر به عمدت ترین صادرکننده این محصول و نیز مس در منطقه تبدیل کند. یعنی این صنعت را به مقامی پرساند که امروز پتروشیمی ایران در اختیار دارد. پایین بودن سطح دستمزد کارگر متخصص و بازار بزرگ داخلی ایران، انگیزه جدی برای سرمایه گذاری در این کشور به شمار می رود. حتی پروپاگرنس ترین پشتیبانان سیاست خصمانه دولت آمریکا در قبال ایران می پذیرند که ایران بهترین راه برای حمل و نقل مواد مصرفی و صنعتی و مهم ترین طریق برای حمل انرژی را در اختیار می گذارد. بی جهت نیست اگر مجلة اکنومیست از خط آهن سرخس-تجن با عنوان «خط آهن طلایی» نام می برد.

در مجموع، هم امکانات بالقوه ایران در زمینه اقتصادی آشکار است و هم مشکلاتی که ایران برای حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت ملی خود با آن روپرورست. در عین حال برای بالفعل کردن امکانات نام برده و بر طرف نمودن مشکلات مذکور ایران به همکاری با جامعه بین الملل نیازمند است. همکاری با قطب های قدرت شرق و غرب. هیچ یک از این دو قطب به تهایی پاسخگو نیازهای ایران نمی تواند باشد. به عنوان مثال صنعتی شدن ایران نیاز به تکنولوژی، سرمایه گذاری و بازار

جهانی نیاز دارد. اینها همه سیاست خارجی مناسبی را که بتواند ایران را در پیوند با اقتصاد جهانی قرار دهد، می طلبند. ایران نمی تواند سیاست خارجی ای را پیش بگیرد که جهان را به دوست، دشمن و کشورهایی که روشن نیست دوست یا دشمنت، تقسیم کند. از این منظر روابط ایران با کشورهای همسایه و غرب از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود.

در گذشته اعضای کشورهای پیشرفته صنعتی و به ویژه آمریکا، آلمان، ژاپن، فرانسه، انگلیس و ایتالیا مهم ترین طرفهای تجاری ایران به حساب می آمدند. به استثنای ایالات متحده آمریکا این ارتباط امروز هم پابرجاست. این امر نشان دهنده نیاز ایران در مرکز هفتادوپنج درصد منابع انرژی جهان در خلیج فارس و دریای خزر نشسته است... در یک چنین چارچوبی است که باید به کشمکش میان ایران و آمریکا نگریست و نیت اصلی سیاست مهار دوجانبه را ارزیابی کرد.

در مجله فارین آفریز ماه ژانویه-فوریه سال ۱۹۹۶، پال کندی تاریخ دان مشهور دانشگاه بیل و همکارانش مقوله ای را با عنوان «کشورهای محوری» تعریف کردند. کشورهای محوری آنهایی هستند که ثباتشان به ثبات منطقه همچووار آنها می انجامد. نویسندهان مقاله، دولت آمریکا را به همکاری با این کشورها تشویق می کردند. در خاورمیانه مصر، ترکیه، پاکستان و هند در زمرة این کشورها قرار دارند. در بازتاب به سیاست رسمی ایالات متحده، مقاله این واقعیت مهم را که ایران از نظر جغرافیایی در مرکز این چهار کشور قرار دارد، فراموش کرده بود.

اما اهمیت ایران بسی بیش از موقعیت جغرافیایی اش در مرکز کشورهای نام برده است. ایران بیش از ۶۴۰ کیلومتر ساحل در کار دریای خزر و بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر ساحل در جوار خلیج فارس و دریای عمان یعنی محل گذر ۱۱ میلیون بشکه نفت در روز، دارد. آینده نامعلوم روسیه یکی دیگر از دلایل اهمیت روزافزون استراتژیک ایران است. انتخابات اخیر در روسیه آشکار ساخت که کمونیست ها و ملی گرایان افراطی نقش مهمی در این کشور در آینده ایفا خواهد کرد. زیگنیو بریتنسکی و جفری کمپ متخصصین تراز اول امنیت ملی در آمریکا اخیراً یادآور شده اند که این کشور باید برنامه های میان مدت و بلندمدتی را برای پشتیانی از

هر ابتکاری که آسیای میانه و قفقاز را از دست یازی مجدد روسیه بر آنها حفاظت کند، تدارک بینند. به نظر این دو، بهترین راه برای این کار در نظر آوردن ایران و کمک به احداث خط لوله های گاز و نفت در این کشور می باشد. از نظر آنها این راه حل نه فقط از نظر استراتژیک بلکه از نظر اقتصادی نیز مناسب است. از نقطه نظر اقتصادی نیز ایران پتانسیل مهمی بشمار می رود. جایگاه او در بازار جهانی انرژی

مهمترین نیروهای ادغام کننده عبارتند از جهانی شدن سرمایه و شبکه‌های مالی و صنعتی و تجاری آن. جابجایی جهانی جمعیت و مصرف توده‌ای فرهنگ، ادامه طبیعی این روند جهانی شدن است. شرکت‌های فرامیانی و مجتمع چندملیتی و بین‌المللی بوجود آوردن دنگان اصلی این گرایش هستند و زمینه آن انقلاب در حمل و نقل، ارتباطات و تکنولوژی اطلاعاتی. تأثیر کلی این تغییرات به فشرده شدن زمانی و مکانی جهان امروز انجامیده و توانایی بالقوه بالایی در تسهیل ادغام سیاسی ملل مختلف که در سطوحی دیگر رقیب یکدیگر به شمار می‌روند را فراهم آورده است.

نیروهای پراکنده‌گی از سوی دیگر شامل ازین رفتن تأثیری است که روزی آمریکا و شوروی بر جهان اعمال می‌کردند و در نتیجه ازین رفتن آن، قدرت‌های مرکزی کوچک‌تری در جهان جدید پدید آمده‌اند. در عین حال ظهور ژاپن و اروپای متحده به منزله سردمداران تکنولوژی و رقبای اقتصادی برای آمریکا جهان سه قطبی بالقوه ناپایداری را پدید آورده است که در آن هر یک نگران اتحاد دوقطب دیگر علیه منافع قطب سوم

چنانچه ایران تضعیف شود،

به منافع
اسرائیل در
منطقه که

سیاست جدید «زمین در قبال صلح» را اتخاذ کرده است، خدمت خواهد کرد.

می‌باشد. افزایش آگاهی‌های قومی، نژادی و جنسیتی و همچنین شکاف‌های عمیق و روزافزون ملی، فرهنگی و مذهبی در پدید آمدن اختلافات جهانی سهیم بوده‌اند.

در میان علل مختلف سیاسی و اقتصادی که تأثیر متضاد آنها را در ادغام با سه قطبی است. آمریکا، اروپای متحده و ژاپن بر تجارت، تکنولوژی، سرمایه‌گذاری خارجی و تحقیقات حکم می‌رانند. فقط از نقطه نظر فرهنگی است که می‌توان جهان را چندقطبی به شمار آورد. این واقعیت را می‌توان در پدیداری جنبش‌های ملی، مذهبی و قومی آشکارا رویت کرد. برآمدن جهان اسلام به منزله قطب فرهنگی و ادغام نیروهای فرهنگی در سیاست جهانی پدیده مهمی را در این زمینه تشکیل می‌دهد.

مهم‌ترین نکته که باید در مورد این جهان مذکور شد آن است که تنش موجود در آن، هم در تحکیم نظم آن دخیل است و هم در سوق دادن آن به می‌نظمی. در واقع نظام جدید درگیر بین دو نیروی کاملاً مخالف است: نیروی اول او را به ادغام و همکاری فرا می‌خواهد و نیروی دوم شرایط از هم پاشیدگی و رودرروی آن را فراهم می‌آورد. این وضعیت ناپایدار به دلیل وجود و تأثیر دو نوع گرایش کارآئی نیروهای ادغام کننده جهانی و نیروهای پراکنده‌گی جهانی می‌گذاریم،

که نام آنها را به ترتیب «نیروهای ادغام کننده جهانی» و «نیروهای پراکنده‌گی جهانی» می‌گذاریم. آنجا که نیروهای ادغام کننده سعی در ازین بردن شکاف‌های بین ملت‌ها و دسترسی به همگونی بین‌المللی، دارند، نیروهای پراکنده‌گی بر جدایی‌ها می‌افزایند و موحد ناهمگونی‌های بین‌المللی هستند. جای تعجب نیست اگر ادغام روزافزون سیاسی و اقتصادی جهان با گرایشی به همان اندازه روزافزون در جهت گسترش این نیروهای تهاجمی تضعیف می‌گردد، اقتصاد، تکنولوژیکی و اطلاعات به

غرب برای صادر کردن نفت و کالاهای تولیدی خود دارد. در عین حال برای تقویت اقتصاد و توانایی‌های دفاعی خوبی ایران نیازمند همکاری با شرق است.

گرایش‌های جهانی

برای ارزیابی بهتر سیاست شرقی می‌باشد که در اقتصاد سیاسی جهان پدید آمده‌اند، به ویژه آنهایی که رابطه مستقیم با سیاست خارجی جمهوری اسلامی دارند نگاهی دارند. علاوه بر این ظهور سازمان‌های غیردولتی که در سطوح ملی و بین‌المللی فعالیت می‌کنند بر پیچیدگی روابط بین دول افزوده است. هر چند ترسیم سیاست خارجی هنوز تحت کنترل دولت‌های این سازمان‌های غیردولتی و مجتمع بین‌المللی هر روز بیش از دوز پیش در صحنه بین‌المللی حضور می‌یابد.^۷

از نقطه نظر سیاسی، جهان جدید جهانی یک قطبی است و آمریکا به منزله نیروی فرادست سیاسی در اکثر سازمان‌های مهم جهانی و از آن جمله در سازمان ملل به شمار می‌رود. از نقطه نظر نظامی، جهان هنوز دوقطبی است و رقیبی برای ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه متصور نمی‌باشد. از نقطه نظر اقتصادی همان‌طور که در فصل بعدی توضیح خواهیم داد جهان جدید جهانی سه قطبی است. آمریکا، اروپای متحده و ژاپن بر تجارت، تکنولوژی، سرمایه‌گذاری خارجی و تحقیقات حکم می‌رانند. فقط از نقطه نظر فرهنگی است که می‌توان جهان را چندقطبی به شمار آورد. این واقعیت را می‌توان در پدیداری جنبش‌های ملی، مذهبی و قومی آشکارا رویت کرد. برآمدن جهان اسلام به منزله قطب فرهنگی و ادغام نیروهای فرهنگی در سیاست جهانی پدیده مهمی را در این زمینه تشکیل می‌دهد.

مهم‌ترین نکته که باید در مورد این جهان مذکور شد آن است که تنش موجود در آن، هم در تحکیم نظم آن دخیل است و هم در سوق دادن آن به می‌نظمی. در واقع نظام جدید درگیر بین دو نیروی کاملاً مخالف است: نیروی اول او را به ادغام و همکاری فرا می‌خواهد و نیروی دوم شرایط از هم پاشیدگی و رودرروی آن را فراهم می‌آورد. این وضعیت ناپایدار به دلیل وجود و تأثیر دو نوع گرایش کارآئی نیروهای ادغام کننده جهانی و نیروهای پراکنده‌گی جهانی می‌گذاریم،

که نام آنها را به ترتیب «نیروهای ادغام کننده جهانی» و «نیروهای پراکنده‌گی جهانی» می‌گذاریم. آنجا که نیروهای ادغام کننده سعی در ازین بردن شکاف‌های بین ملت‌ها و دسترسی به همگونی بین‌المللی، دارند، نیروهای پراکنده‌گی بر جدایی‌ها می‌افزایند و موحد ناهمگونی‌های بین‌المللی هستند. جای تعجب نیست اگر ادغام روزافزون سیاسی و اقتصادی جهان با گرایشی به همان اندازه روزافزون در جهت گسترش این نیروهای تهاجمی تضعیف می‌گردد، اقتصاد، تکنولوژیکی و اطلاعات به

کارآمدترین ابزار تأثیر و تسلط تبدیل می‌شوند. در واقع ژاپن و آلمان فقط به مدد اقتدار اقتصادی، تکنولوژی پیشرفت و توانایی‌های اطلاعاتی به قدرت‌های نیرومند بین‌المللی تبدیل شدند. بالعکس فدراسیون روسیه، علی‌رغم قدرت نظامی اش به شکلی روزافزون در صحة سیاسی بین‌المللی تضعیف می‌گردد. به مروری که اقتصاد، تکنولوژی و اطلاعات به منزله حوزه‌های جدید اقتدار مطرح می‌شوند، توسعه اقتصادی، نوآوری تکنولوژی و پردازش اطلاعات به منزله عناصر اصلی استراتژی دفاع ملی مطرح می‌گردد.

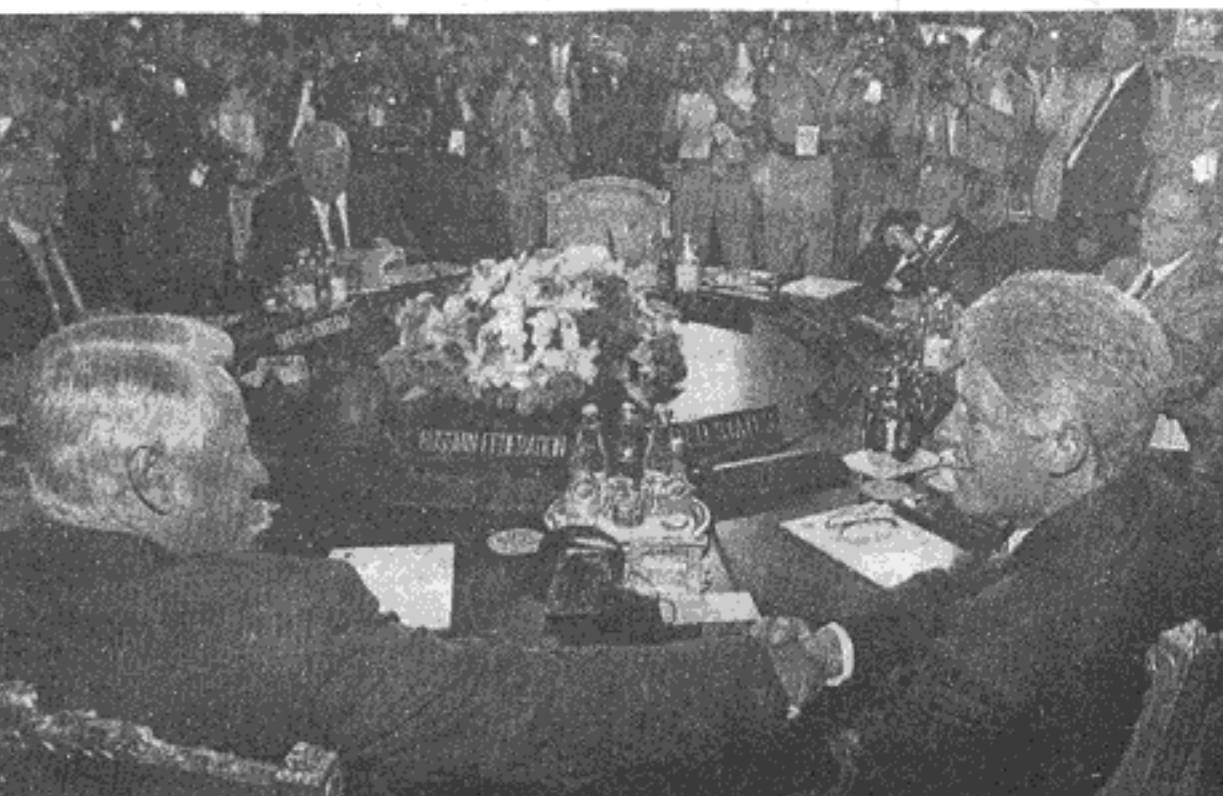
نیروهای تدافعی نیز امروز به ابزار اقتدار و بازدارندگی مهمی تبدیل شده‌اند. از این رو انتظار می‌رود که رقابت امروزی موجود بین دولت - ملت‌ها برای تدارک قدرت تهاجمی جای خود را به رقابت برای بنا نهادن نیروهای تدافعی کوچک، پرتحرک و با تکنولوژی پیشرفت بدهد. از آنجا که هزینه‌های دفاعی و نیروی بازدارندگی به مراتب کمتر از بهایی است که برای تدارک نیروی تهاجمی و جنگ لازم است، ارتضی و برنامه‌های تسليحاتی حجم پول کمتری را به خود اختصاص خواهد داد. برای تبیین صحیح جهان‌بینی جدیدی که در سیاست خارجی امروزی جهان فراگیر شده، لازم است چندی از گرایش‌های جدید دیگر را نیز در این زمینه یادآور شویم. یکی از جنبه‌های فرهنگ سیاسی جدید در سراسر جهان، حل اختلافات سیاسی به میانجی مذاکره و مصالحه است. آنجا که مستله بر سر همکاری و توسعه در جهان است، این شیوه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. عطش امروزی برای گفت و گو و حل مخاصمات، همزمان با دخالت بازیگران جدید در صحة سیاست داخلی، اهمیت بیشتری می‌یابد و اندیشه شکیبایی و احترام متقابل جایگزین گرایش به خشونت و خودمرکزیتی می‌شود.

به مروری که اندیشه اقتصاد مختلط و کثرت گرایی سیاسی پذیرفتی تر می‌شود، سختی

جغرافیای اقتصادی جهان

گرایش‌های جهانی که به آن اشاره شد و عمدهاً کارکردی هستند نمی‌توانند به تهابی مبنای سیاست خارجی یک کشور در جهان جدید را تشکیل دهند. مهم آن است که چگونه این گرایش‌ها به واسطه دولت‌های بزرگ و بازیگران صحة بین‌المللی به اجرا در آیند. اهمیت این مستله برای ایران با توجه به موقعیت جغرافیای سیاسی اش و مسائلی که با غرب به ویژه با آمریکا دارد، بسی بیشتر است. به عبارت دیگر پرسش اصلی این است که آیا ایران می‌تواند فدراسیون روسیه، اروپای متحده، ژاپن، چین و یا ترکیبی از اینها را جایگزین آمریکا بسازد؟

برخی با این استدلال که آمریکا رو به افول است و امکانات متعددی برای اتحادهای استراتژیک وجود دارد به این سوال پاسخ مثبت داده‌اند. برخی دیگر استدلال می‌کنند که آمریکا هنوز امپریویت اول جهان است و رهبری صنعت جهان، علوم پایه، تکنولوژی اطلاع‌رسانی و تحقیق و توسعه را در



جدول ۱ : درآمد ناخالص ملی، درآمد ناخالص سرانه، ورشد آنها در کشورهای پیشرفته *

	رشد واقعی سالانه		درآمد ناخالص ملی (ارزش اسپی ۱۹۹۳)	
			ارقام به میلیون	
۱۹۹۳-۱۹۸۹	۱۹۹۳			
% ۱/۷۰	% ۳	۲۵۰۰۹	۶۳۲۷ ری ۹۰۰	آمریکا
۲/۹	-۲	۳۳۷۰۱	۴۱۹۰ ری ۳۹۹	ژاپن
موجود نیست	-۱/۲	۲۳۳۲۱	۱۸۷۹ ری ۵۵۱	آلمان
۱/۵	-۱	۲۱۸۱۸	۱۲۵۱ ری ۶۹۶	فرانسه
۱/۳	-۰/۲	۱۷۴۶۰	۹۹۱ ری ۳۸۶	ایتالیا
۰/۳	۱/۹	۱۶۲۳۹	۹۳۹ ری ۴۵۱	انگلستان
۰/۷	۲/۴	۲۰۰۷۷	۵۵۰ ری ۹۱۸	کانادا
۸/۶	۱۳/۴	۴۵۸	۵۴۴ ری ۶۰۸	چین
۲	-۱	۱۲۲۴۱	۴۷۸ ری ۳۹۱	اسیانیا
-۰/۱ ***	موجود نیست	۴۶۱۸	۴۰۹ ری ۲۱۹ **	برزیل
۷/۱	۵/۵	۷۵۷۷	۳۳۰ ری ۸۳۱	کره جنوبی
۲/۵	۰/۲	۲۰۲۶۴	۳۰۷ ری ۶۰۵	هلند
۲/۲	۴/۱	۱۶۲۰۳	۲۸۴ ری ۴۵	استرالیا
۵/۴ ***	موجود نیست	۳۱۳	۲۲۲ ری ۲۳۱ **	هند
۱/۱	-۰/۶	۳۳۹۹۷	۲۲۴ ری ۲۳۱	سوئیس
۶/۵	۶/۱	۱۰۳۴۲	۲۱۶ ری ۴۹۰	تایوان
۶/۸	۶/۷	۶۶۱	۱۲۶ ری ۳۶۴ **	اندونزی
۴/۲	۵/۵	۱۸۸۷۸	۱۰۹ ری ۶۸۲	هنگ کنگ
۸/۸	۸/۵	۳۴۳۰	۶۴ ری ۴۵۰	مالزی
۸/۱	۹/۹	۱۹۵۴۳	۵۵ ری ۰۸۶	سنگاپور
۲	۱/۷	۸۳۶	۵۳ ری ۷۴۷	فیلیپین
۹/۴	۷/۸	۲۱۳۳	۱۲ ری ۳۲۳	تایلند

* نرخ برابری دلار آمریکا براساس نرخ های منتشر شده صندوق بین المللی پول میباشد.

** مریوط به ۱۹۹۲ *** مریوط به ۱۹۸۸-۱۹۹۲

Source: Bank of Japan, Comparative International Statistics, 1994; Economic Planning Agency Japan; Cited in Keizai Koho Center, Japan 1995: An International Comparison.

دست دارد. به گفته آنها ایالات متحده آمریکا به ویژه در صنایع انرژی مقام اول را دارد و شرکت های نفتی اش بزرگ ترین و از نظر تکنولوژی پیشرفته ترین شرکت های جهان هستند. علاوه بر این آمریکا بخش مهمی از بازار بالقوه برای صادرات ایران را در اختیار دارد. تجربه کشورهای تازه صنعتی شده، نقش مهم آمریکا را در زمینه پشتیبانی و بازاریابی برای توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه اثبات می کند.

به نظر من ایران باید با تمامی کشورهایی که مایل به همکاری با او هستند، همکاری کند. در دوران ادغام جهانی، موضع گیری و گزینش بیش از پیش دشوار می شود. ایران می تواند کاری کند که مجبور به انتخاب میان رقبای مختلف در جهان چندگانه نباشد. بلکه بر مبنای ارزیابی واقعه بینانه ای از نیازها و خواسته هایش و همچنین از الزامات استراتژیک و توانایی های اقتصادی اش و سرانجام از نقاط ضعف و احتیاجاتش، سیاست خارجی خوبی خود را تدوین کند. بر این پایه است که می توانیم تصمیم بگیریم که چه منافعی از دولت های بزرگ و عوامل اصلی می تواند به ما برسد. آیا ایران می خواهد به کشوری صنعتی تبدیل شود، وابستگی خود را به نفت کاهش و صادرات خود را توسعه دهد؟ و فراتر از پرسش های اقتصادی، ایران چه نقشی را مایل است در جامعه بین المللی ایفا نماید؟ با توجه به اینکه راه شکوفایی اقتصادی ایران از صنعتی شدن و توسعه صادرات می گذرد، پرسش این است که ایران باید در جستجوی برقراری کدام روابط تجاری باشد که بتواند او را به این اهداف برساند؟ برای پاسخ به این پرسش، ارزیابی روشنی از صحنه بین المللی مورد نیاز است. بدین منظور در این بخش مقدمتاً به مقایسه حوزه های اصلی اقتصاد جهانی از نقطه نظر وسعت، توسعه، سرمایه گذاری خارجی، تکنولوژی و فضای مطلوب تجاری خواهم پرداخت و سپس ارتباط متقابل این مناطق را در نظر خواهم گرفت تا به راهنمایی برای برنامه ریزی راه استراتژیکی که ایران برای رشد خود باید بگزیند، دست یابم.

اکثر نقشه های جغرافیای اقتصادی جهان حاکی از وجود سه منطقه اصلی هستند: ۱- ایالات متحده آمریکا و متحده ای او در قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی؛ ۲- اروپای متحده و ۳- آسیا شرقی که به وسیله ژاپن رهبری می شود.^۸ خارج از این سه قطب مسلط در اقتصاد جهانی با دو نوع کشور روبرو هستیم. در یک طرف کشورهای با اقتصاد در حال رشد مانند کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ، سنگاپور، جمهوری خلق چین و هند. در طرف دیگر کشورهای با اقتصاد ایستا یا در حال نزول مانند روسیه، جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز و اکثر کشورهای آفریقایی.

از نقطه نظر وسعت، ایالات متحده آمریکا و آنها با فاصله زیاد از کشور بعدی بزرگ ترین اقتصاد جهان را تشکیل می دهد. تولید ناخالص ملی اش ۲۱٪ تولید ناخالص ملی جهان است و ۵/۳۹٪ تولید ناخالص کشورهای پیشرفته صنعتی (ن.ک. به جدول های ۱ و ۲). آمریکا، ژاپن و آلمان در صدر جدول قرار دارند. در مقام مقایسه، تولید ناخالص ملی چین، ۸/۵٪ تولید ناخالص

امروز مهم‌ترین طرف‌های تجاری ایران عبارتند از آلمان، ژاپن، ایتالیا و انگلستان (ن. ک. به جدول ۳). اتخاذ سیاست شرقی، ایران را به ژاپن، روسیه، چین و کشورهای تازه صنعتی شده شرق آسیا نزدیک خواهد کرد و هم اینان خواهد بود که می‌بایست نیازهای تکنولوژیکی، منابع مالی و همچنین بازار برای تولیدات ایران را در اختیار بگذارند. روسیه هم اکنون دیگر قدرت اقتصادی نیرومندی را در جهان تشکیل نمی‌دهد. روسیه می‌تواند فروشندۀ تکنولوژی تسلیحاتی و اسلحه خوبی باشد، اما تکنولوژی روسیه خیلی عقب مانده‌تر از سایر تکنولوژی‌هایی است که انقلاب صنعتی سوم را پشت سر گذاشته‌اند. علاوه بر این، روسیه نیاز زیادی به نقدینگی دارد؛ نه می‌تواند بازار قابل توجهی برای اجناس ایران باشد و نه اینکه منبع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی برای اقتصاد ایران به شمار آید. چین و کشورهای تازه صنعتی شده جهان هنوز کاملاً توسعه نیافرته‌اند و در نتیجه نمی‌توانند نیازهای ایران در زمینه تکنولوژی، بازار و سرمایه‌گذاری خارجی را برآورده سازند. بدین صورت ایران می‌ماند و ژاپن.

در یک چنین چشم‌اندازی است که باید پیوندهای اساسی‌ای که ژاپن و آمریکا را به یکدیگر متصل می‌سازد، مورد ارزیابی قرار داد. رابطه تجاری آمریکا و ژاپن، تکنولوژی، بازار، خلاقیت،



جدول ۲: سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در صادرات و درآمد ملی انباشته شده
کشورهای صنعتی، ۱۹۹۵ *

کشورهای صنعتی	۱۶	۲۰	۱۵	۷	۴
گروه‌های کشورهای صنعتی	پیش‌کشورهای صنعتی	انگلستان	کانادا	اتحادیه اروپا	صنعتی اروپا
کشورهای صنعتی بدون	۱۸/۹	۲۲/۳	۷/۷	۱۴/۲	۱۸/۹
آمریکا، ژاپن، آلمان	۵۰/۱	۷۲/۷	۴۶/۳	۸۵/۸	۵۰/۱
کشورهای صنعتی بدون	۴۰/۸	۵۹/۲	۲۰/۷	۳۸/۴	۴۰/۸
آمریکا، اتحاد اروپا، ژاپن	۳۹	۵۶/۵	۲۰/۲	۳۷/۵	۳۹
کشورهای صنعتی بدون	۱۱	۳۹/۱۶	۵/۲	۹/۷	۱۱
صنعتی اروپا	۲۶/۱	۳۷/۹	۱۵/۱	۲۸	۲۶/۱
کشورهای صنعتی بدون	۶	۶	۶	۶	۶
کشورهای صنعتی بدون	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
کشورهای صنعتی بدون	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
کشورهای صنعتی بدون	۷	۷	۷	۷	۷
کشورهای صنعتی بدون	۴	۴	۴	۴	۴
کشورهای صنعتی بدون	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
کشورهای صنعتی بدون	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
کشورهای صنعتی بدون	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کشورهای صنعتی	۵۳/۹	۲۱/۳	۱۴/۸	۳۹/۵	۱۲/۶
جهان	۶۹	۱۰۰	۸	۱۸/۲	۱۰۰
کشورهای صنعتی	کل صادرات ملی	کل درآمد ناخالص ملی	تعداد کشورهای این گروه	درصد از	

* ارقام تولید ناخالص ملی برآمساس روش ارزیابی قدرت خرید هر کشور صورت گرفته است.

Source: International Monetary Fund, World Economic Outlook, May 1996.

جدول ۳: شرکای اصلی تجاری ایران، براساس رده بندی سال ۱۳۶۹ (به میلیون دلار)

	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷
آلمان	۳۴۲۰	۲۰۲۴	۱۴۷۲
ژاپن	۱۹۲۳	۹۷۳	۸۳۶
ایتالیا	۱۴۹۹	۸۰۳	۴۱۷
انگلستان	۱۰۱۵	۵۶۷	۵۵۶
امارات متحده عربی	۹۷۱	۹۴۹	۲۷۶
بلژیک	۷۹۷	۴۹۳	۳۹۳
ترکیه	۷۲۶	۶۹۹	۴۲۵
استرالیا	۶۸۴	۴۵۱	۲۱۶
برزیل	۶۴۵	۳۶۲	۳۴۳
کره جنوبی	۶۳۵	۴۷۷	۱۲۷
هلند	۵۷۶	۴۱۰	۲۸۶
سوئیس	۵۴۶	۳۰۶	۲۱۵
آرژانتین	۵۴۵	۴۵۷	۱۵۹
فرانسه	۴۸۹	۲۶۶	۲۴۳
اطریش	۴۵۰	۲۲۶	۱۶۱
کانادا	۴۱۴	۳۸۴	۷۹
شوریوی	۳۰۵	۲۰۰	۲۱۷
اسپانیا	۲۸۷	۲۱۹	۱۱۰
سوئد	۲۸۱	۱۱۲	۸۰

صادرات غیر نفتی به:

	۱۹۹/۸	۲۵۹/۲	۲۸۹/۳
آلمان	۱۵۹	۱۲۴/۴	۱۰۶/۹
ایتالیا	۱۵۲/۵	۱۴۳/۶	۱۴۵/۸
امارات متحده عربی	۱۰۶/۱	۸۰/۳	۷۷/۸
سوئیس	۱۰۶/۱	۵/۵	۳/۴
ترکیه	۵۲/۱	۵۲/۹	۳۶/۹
ژاپن	۵۰/۱	۱۸/۳	۹۹/۳
انگلستان	۳۶/۱	۲۵/۷	۱۹/۲
فرانسه	۲۶/۹	۲۲/۸	۶۳/۷
شوریوی	۱۳۱۲/۲	۱۰۴۳/۹	۱۰۳۵/۸
کل صادرات			

Source: The Europa World Year Book 1995

خدمات و سایر عواملی که برای شرکت‌های دو کشور حیاتی است در اختیار انها می‌کدارد. همچنین همکاری آمریکا و ژاپن در سرمایه‌گذاری در زمینه نظامی بسیار وسیع است. بازار آمریکا همواره و از نظر تاریخی مهم‌ترین بازار برای صادرات ژاپن به شمار می‌رفته و اساسی‌ترین پوند ژاپن با اقتصاد جهان محسوب می‌شود.

در دهه گذشته، جهان شاهد سومین انقلاب صنعتی بوده است. انقلابی که نتایج آن در حوزه الکترونیک، هوایپماسازی غیر نظامی، مواد جدید، کامپیوتر سازی (نرم افزار و سخت افزار)، بیوتکنولوژی و روبوتیک تأثیر بسزایی گذاشت.^۹ این‌ها زمینه‌هایی هستند که رقابت در آنها بر پایه خلاقیت و نوآوری انسانی صورت می‌گیرد و نه همچون در صنایع پیشین بر پایه مزیت نسبی؛ به همین جهت نیز بر این صنایع نام «صنایع مبتنی بر دانش» گذارده‌اند. در زمینه این صنایع، ایالات متحده آمریکا نقش اول را دارد و ژاپن و اروپا را به دنبال خویش می‌کشد. همانطور که در جدول شماره ۴ می‌توان دید، آمریکا از نظر بودجه تخصیص داده شده به تحقیقات در رتبه اول قرار دارد. وجود یک چنین فعالیت تحقیقی و گرایش آمریکایی‌ها به نوآوری، باعث شده است که در آمریکا جو برای انقلاب تکنولوژیکی و توسعه تجاری بهتر از سایر کشورهای جهان باشد. بسیاری از همین نوآوری‌ها منبع و الهام بخش اقتصادهای دیگر در زمینه انتقال تکنولوژی و رقابت بوده‌اند.

علیرغم اینکه اکثر مازاد سرمایه جهان در اختیار ژاپن و آلمان است، آمریکا هنوز یکی از مهم‌ترین منابع صدور سرمایه به سایر کشورهای است. به ویژه شرکت‌های آمریکایی که در زمینه انرژی تخصص دارند از نقطه نظر سرمایه‌گذاری، نوآوری و تکنولوژی در جهان حرف اول را می‌زنند. با توجه به واپستگی اقتصاد ایران به نفت و گاز، این کشور نمی‌تواند بدون تقبل زیان‌های جبران ناپذیر از شرکت‌های آمریکایی چشم پوشی کند. این مسئله به ویژه با توجه به نیازهای تکنولوژیکی ایران حدّت بیشتری می‌یابد. عامل مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت، آشنایی جهان تجارت غرب با ایران است. علاوه بر این، تعداد زیاد ایرانی‌هایی که در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند می‌تواند به منزله پیوند لازم برای انتقال سرمایه و تکنولوژی اینفای نقش کر.

واپستگی متقابل کشورهای مختلف در جهان امروز امری کاملاً شناخته شده است. در این زمینه، نکته مهم برای ایران همبستگی شدیدی است که بین کشورهای اروپایی پس از تأسیس اروپای متحده به وجود آمده است. اروپای متحده مهم‌ترین قطب تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد (ن. ک. به جدول‌های ۵ و ۶). واقع‌ینانه نخواهد بود اگر ایران سعی کند خارج از پیوندهای موجود بین اروپایی‌ها با یک یا چند کشور این اتحادیه رابطه جداگانه‌ای برقرار سازد. در واقع نیز در بسیاری از

جدول ۴ : هزینه تحقیق و توسعه (R&D) در کشورهای منتخب

رژیون	هزینه های (R&D)	درآمد ملی	درصد نسبت	درصد سهم دولت
	۱۹۹۲	۱۰۰,۹۳۳	۳/۵۵	۱۸/۰
آمریکا	۱۵۷,۴۰۰	۳/۲۵	۴۳/۷	
المان	۴۴,۹۰۲	۳/۷۱	۳۵/۶	
فرانسه	۳۱,۹۲۵	۳/۲۹	۴۵/۹	
انگلستان	۲۱,۰۰۱	۲/۸۰	۴۴/۲	

جدول ۶ : شرکای تجاری اصلی کشورهای منتخب آسیایی (۱۹۹۱)

شرکای تجاری رتبه های اول تا چهارم

ردیف	کشور	شماره (۱)	کشور	شماره (۲)	کشور	شماره (۳)	کشور	شماره (۴)
۵/۸	نایوان	۹/۴	کره جنوبی	۶/۶	المان	۲۹/۱	آمریکا	۳۱۶,۵۲۵
۵	کره جنوبی	۵/۵	استرالیا	۶	چین	۲۲/۰	آمریکا	۲۲۶,۷۳۷
۲/۴	المان	۸/۸	آمریکا	۱۶/۶	ژاپن	۴۵/۶	هند کنگ	۷۰,۴۶۱
۵	المان	۱۲/۸	آمریکا	۱۶/۱	ژاپن	۲۷/۹	هند کنگ	۶۲,۵۶۷
۵/۶	ژاپن	۹/۷	المان	۲۲/۲	آمریکا	۲۷/۱	چین	۹۸,۵۷۷
۷/۶	آمریکا	۹/۲	نایوان	۱۶/۴	ژاپن	۲۷/۷	چین	۱۰۰,۴۵۵
۶/۷	کره جنوبی	۸/۲	سنگاپور	۱۲	آمریکا	۲۶/۸	ژاپن	۲۹,۲۴۴
۶/۶	سنگاپور	۸	المان	۱۳/۱	آمریکا	۲۶/۵	ژاپن	۲۵,۴۸۹
۴/۶	المان	۶/۵	هند کنگ	۱۷	ژاپن	۲۵/۵	آمریکا	۷۱,۴۷۰
۴/۵	المان	۵/۱	انگلستان	۲۳/۵	آمریکا	۲۶/۲	ژاپن	۸۱,۵۲۵
۴/۴	کره جنوبی	۱۵/۹	ژاپن	۱۶/۹	آمریکا	۲۳/۲	سنگاپور	۳۴,۴۱۳
	نایوان	۱۵/۳	آمریکا	۱۵/۰	سنگاپور	۲۶/۱	ژاپن	۳۶,۷۵۲
۵/۵								
۴/۵	هند کنگ	۵/۷	المان	۲۰/۲	ژاپن	۳۶	آمریکا	۸۴,۷۶۷
۵/۴	عربستان سعودی	۹/۷	نایوان	۱۹/۷	ژاپن	۲۰/۴	آمریکا	۱۲,۷۸۶
۷/۲	هند کنگ	۸/۷	ژاپن	۱۴/۹	مالزی	۱۹/۱	آمریکا	۵۹,۰۲۵
۵/۱	عربستان سعودی	۱۵/۲	مالزی	۱۵/۸	آمریکا	۲۱/۲	ژاپن	۶۶,۲۴۲

* نرخ برابری دلار بر مبنای میانگین سالانه نرخ های IMF محاسبه شده است.

Source: IMF, Direction of Trade Statistics, 1992.

Source: Japan 1995: An International Comparison, Keizai Koho Center.

Japan Institute for Social and Economic Affairs. Tokyo. Page 25.

جدول ۵ : ماتریس تجارت بین المللی، ۱۹۹۱

کل جهان	کشورهای در حال توسعه	ایتالیا	فرانسه	انگلستان	المان	آمریکا	ژاپن	از:
۲۲۹,۶۸۱	۱۵۵,۱۹۸	۳/۴۰۱	۴/۳۲۴	۱۲,۲۹۹	۲۰,۴۲۳	۹۵,۷۱۶	-	ب:
۴۴۷,۴۰۰	۱۸۱,۴۷۹	۸/۴۹۸	۱۴,۰۸۱	۲۲,۴۰۸	۲۱,۲۴۹	-	۷۷,۷۹۷	آمریکا
۴۲۹,۴۲۰	۷۷,۴۶۰	۲۹,۱۴۲	۵۰,۴۷۸	۲۳,۴۷۸	-	۲۷,۴۷۱	۹,۳۹۲	المان
۱۸۱,۴۴۷	۷۸,۴۷۸	۱۰,۴۷۴	۱۰,۴۷۸	-	۲۸,۴۱۱	۲۱,۴۷۴	۲,۱۱۵	انگلستان
۲۷۷,۴۱۱	۷۹,۴۷۹	۱۰,۴۷۴	۱۰,۴۷۸	-	۲۱,۴۷۱	۱۰,۴۱۷	۲,۱۱۵	فرانسه
۱۷۸,۴۱۹	-	۴۸,۴۷۸	۱۱,۴۷۸	۱۱,۴۷۸	۱۱,۴۷۸	۱۲,۴۱۱	۳,۹۶۶	ایتالیا
۱۷۸,۴۱۹	۷۹,۴۷۸	-	۴۸,۴۷۸	۱۱,۴۷۸	۱۱,۴۷۸	۱۲,۴۱۱	۳,۹۶۶	کشورهای در حال توسعه
۱,۳۰۴,۲۷۷	۷۸,۴۷۸	۷۰,۴۷۸	۷۱,۴۷۸	۷۱,۴۷۸	۷۱,۴۷۸	۷۱,۴۷۸	۱۰,۴۱۷	کل جهان

Source: Japan: An International Comparison, Keizai Koho Center. Japan Institute for Social and Economic Affairs. Tokyo. Page 31.

F.O.B برحسب

یادداشت‌های

۱) درباره سپلست خارجی ایران پیش و پس از انقلاب می‌توان به منابع ذیل مراجعه کرد:

Asadollah Alam, *The Shah and I: The Confidential Diary of Iran's Royal Court*. Introduced and edited by Alinaghi Alikhani, New York: St. Martin's Press, 1992.

Neither East nor West, the Soviet Union and the United States. Edited by Nikki Keddie and Mark Gasiorowski, New Haven: Yale University Press, 1990.

Iran and the Arab World. Edited by Hooshang Amirahmadi and Nader Entessar, London: McMillan Press, 1993.

P.K. Ramazani, *Revolutionary Iran: Challenge and Response in the Middle East*. Baltimore: The John Hopkins University Press, 1988.

Shireen Hunter, *Iran and the West, Continuity in a Revolutionary Decade*. Boomingdale: Indiana University Press, 1990.

James Bill, *The Eagle and the Lion: The Tragedy of American-Iranian Relations*. New Haven: Yale University Press, 1988.

2) Hooshang Amirahmadi, *Revolution and Economic Transition: The Iranian Experience*. Albany: The State University of New York Press, 1990.

۳) رجوع کنید به سخنواری Martin Indyk در موسسه سپلست خاور نزدیک در واشنگتن که در بولتن این موسسه تحت عنوان ذیل جای شده است:

Policywatch, no. 84, May 21, 1993

4) Hooshang Amirahmadi, "The Political Economy of Iran's Oil Policy", in *Oil in the New World Order*. Edited by Kate Gillespie and Clement H. Henry. Gainesville: University Press of Florida, 1995.

۵) درباره روابط ایران و آمریکا می‌توان به منابع ذیل مراجعه کرد:

The Clinton Administration and the Future of US-Iran Relations. Edited by Hooshang Amirahmadi and James Bill. Middle Insight Policy Report, Number 3, 1993;

US-Iran Relations: Areas of Tension and Mutual Interest. Edited by Hooshang Amirahmadi and Eric Hoogland. Washington D.C.: The Middle East Institute, 1994;

Revisiting Iran's Strategic Significance in the Emerging Regional Order. Edited by Hooshang Amirahmadi. New Brunswick: US-Iran Conference, Inc., 1995.

6) Hooshang Amirahmadi, "Iran's Development: Evaluation and Challenges", in *Third World Quarterly*, Volume 17, N. 1, pp. 123-147.

۷) درباره گرایش‌های جهانی می‌توان به منابع ذیل مراجعه کرد:

Paul Kennedy, *Preparing for the Twenty First Century*. New York: Random House, 1993.

Hooshang Amirahmadi, "Globalisation and Planning Education" in Environment and Planning / Planning and Design, Volume 20, 1993, pp. 537-555.

8) Francis Fukuyama, "Social Capital and the Global Economy", in Foreign Affairs, Volume 74, No. 5, 1996, pp. 89-103.

9) Lester Thurow, *Head to Head: The Coming Economic Battle Among Japan, Europe and America*, New York: William Morrow and Company, Inc. 1992; Hooshang Amirahmadi, "Information Technology, the Organization of Production and Regional Development", in Environment and Planning A, 1995, pp. 1745-1775.

10) The European Union, 1996. "The Union's Policies: Role of the Union in the World, External Relations, Japan".

11) The European Union, 1996. "The Union's Policies: Role of the Union in the World, External Relations, Japan".

12) The European Union, 1996. "The Union's Policies: Role of the Union in the World, External Relations, The United States".

مذاکرات دو جانبه در سطوح ملی و بین‌المللی، کمیسیون اروپا در مقام سخنگوی کشورهای عضو ظاهر می‌شود. در دو دهه اخیر، اروپای متحده شبکه‌ای از روابط به وجود آورده است که اهداف آن بسی فراتر از توسعه روابط اقتصادی است.

با در اختیار داشتن بیش از ۴۰٪ کل تجارت با روسیه، اروپای متحده اولین طرف تجاری این کشور محسوب می‌شود^{۱۰}. و بزوی قراردادی در زمینه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی بین اروپای متحده و روسیه برقرار خواهد شد که «گفت و گوهای سیاسی در تمامی سطوح را جایز شمرده... و به اروپای متحده امکان می‌دهد که سود حاصل از سرمایه‌گذاری در روسیه را به هر میزان که مایل باشد از این کشور خارج کند و همچنین فعالیت بانک‌های خارجی در این کشور را مجاز خواهد کرد»^{۱۱}. در عین حال، اروپای متحده همچنان اولین طرف تجاری آمریکا نیز متقابلاً همین نقش را در مورد اروپای متحده ایفا می‌کند. حجم مبادلات تجاری بین این دو، در سال ۱۹۹۴ بالغ بر ۲۰۰ میلیارد اکو (واحد پولی اروپای متحده) شد و در همین سال حجم سرمایه‌گذاری آمریکا در اروپا و بالعکس به رقم ۲۶۵ میلیارد اکو رسید. سایر پیوندهای ایالات متحده و اروپای متحده در زمینه سیاست خارجی و دیگر حوزه‌های مسائل بین‌المللی نیاز به یادآوری ندارد^{۱۲}

راه ایران

تمایل ایران به سیاست شرقی، نقشی را که سایر قطب‌های اقتصادی جهان می‌تواند در توسعه این کشور ایفا کند، نادیده می‌گیرد. این سیاست همچنین برپایه ارزیابی نادرستی از قدرت و استقامت اقتصاد غرب طراحی شده است. مشکل بتوان تصور کرد که سیاست شرقی ایران بتواند پاسخ نیازهای کشور را در زمینه انتقال تکنولوژی، سرمایه‌گذاری خارجی و بازار برای تولیدات صنعتی اش بدهد. به این اعتبار و از آنجا که منافع ملی ایران در گرو توسعه و صنعتی شدن است، این سیاست به احتمال زیاد نخواهد توانست پاسخگوی نیاز ایران در حفاظت از امنیت ملی و پیشبرد منافع ملی اش باشد. علاوه بر این، پیگیری یک سویه این سیاست، حفاظت لازم را برای نزدیکی بیشتر ایران با روسیه و توسعه همکاری‌هایش با این کشور به ایران نخواهد داد.

همچنین این سیاست به توجهی به همبستگی و استحکام در پیوند میان بازیگران اصلی در حوزه اقتصاد جهانی نداشته و به نحوی غیر ارادی به شناسایی شدن ایران با نیروهای پراکنده‌گی جهانی خواهد انجامید. چنانچه ایران از موقعیت جغرافیایی دیگری برخوردار بود، گرایش‌هایی که منحصر بر شرق تکیه می‌کند، می‌توانست نتایج چندان مهم و حیاتی ای به همراه نداشته باشد. اما موقعیت جغرافیایی و محوری این کشور باعث خواهد شد که عواقب این سیاست تأثیرات بسزایی بر آینده کشور داشته باشد. به این اعتبار، سیاست شرقی ایران اگر با سیاستی غربی همراه نشود تا به توازن برسد، کشور را در موقعیت آسیب‌پذیری نسبت به مخاطبین شرقی خود قرار خواهد داد.